

نام و نام خانوادگی:

پایه: چهارم

تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

جمهوری اسلامی ایران

اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران

اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۵ تهران

دبستان غیردولتی سرای دانش واحد پرسش

آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲

نام درس: املا

نام دبیر: خانم گلاره خوشباف

تاریخ امتحان: ۱۱ / ۱۰ / ۱۴۰۲

ساعت امتحان: ۸:۰۰ صبح / عصر

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

به نام خداوند جان و خرد

چالش چیزی است که زندگی را جالب می کند و غلبه بر آن همان چیزی است که زندگی را معنا می بخشد.

نمره	سؤالات
۱	<p>به سوالات زیر پاسخ دهید.</p> <p>الف) کدام کلمه از نظر املايي درست است؟</p> <p>(۱) جهان افروض (۲) پرنده گان (۳) حشرات (۴) تسميم</p> <p>ب) املاي کدام کلمه نادرست است؟</p> <p>(۱) رخسار (۲) نشاط انگيز (۳) پذيرفت (۴) قوک</p>
۲	<p>در جای خالی حروف مناسب بگذارید.</p> <p>نوبت ن...اشی سوم بود. پاییز برای کار خود اول به سرا... جنگل رفت.</p> <p>حکیم...لمش را تراشید و در جو...ر زد و نوشت: «بیامو...ید آنچه را آموختنی است.</p>
۳	<p>در گروه کلمات زیر، دور کلمات نادرست خط کشیده و صورت صحیح آن ها را بنویسید.</p> <p>طفلکی-قمگین-شگفت زده-بزرگ ترین موجود آلم-اعتراض-لطف-سدای ضعیف-خرتوم</p>



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۵ تهران
 دبستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد پرسش
کلید سؤالات پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲

نام درس: املا
 نام دبیر: خانم گلاره فوشیاف
 تاریخ امتحان: ۱۱ / ۱۰ / ۱۴۰۱
 ساعت امتحان: ۸:۰۰ صبح / عصر
 مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	الف- گزینه ۳ ب) گزینه ۴	
۲	نوبت نقاشی سوم بود. پاییز برای کار خود اول به سراغ جنگل رفت. حکیم قلمش را تراشید و در جوهر زد و نوشت: «بیاموزید آنچه را آموختنی است.	
۳	غمگین - عالم - صدای ضعیف - خرطوم	
۴	متن املا مردم از پیر و جوان به سمت قلّه حرکت کردند؛ آرش بی جان ، بر تخته سنگی افتاده بود. بازرگان از این کار طوطی تعجب کرد؛ اما طوطی که حالا از بند قفس آزاد شده بود، با خوشحالی گفت: «ای خواجه، دوست من در هندوستان ، رهایی را به من آموخت.» یکی از خطرات سفر پرستوها، حمله ی پرندگان شکاری مثل عقاب ، شاهین و قرقی است. پسر پرسید: «همان که چشم چپش کور بود و پای راستش می لنگید؟» مرد خوشحال شد و گفت: «آن را کجا دیدی؟» پسر گفت: «من الاغی ندیدم.» نرگس آب پاش پلاستیکی قرمز را بر می دارد و پر از آب می کند. شادی و نشاط در چهره ی مردم شهر دیده می شود.	